



## نگاهی به نقش آموزشی « ناتو » بعد از ۲۰۱۴ و چالش های فرهنگی آن

برگزاری انتخابات دور دوم ریاست جمهوری در افغانستان که جوهره ای انرا حضورمتمد نانه ای مردم در پای صندوق های رای تشکیل داده بود ، با توجه به ارزش نمادین ، کنش ها و واکنش ها ، تقلب ، فساد و اقدامات فرا قانونی قابل پیش بینی در آن و حال انتظارات گسترده ای توده های مردم از پیروز انتخابات در تامین صلح و ختم جنگ ، رفاه اجتماعی و اقتصادی و طرد فساد و مافیای قدرت ، در شرائط برگذار گردید ، که شتاب زمان کشور را از سال ۲۰۰۱ ، آغاز حضور نظامی جامعه جهانی و ناتو، و مبارزه آن با جهادگرائی (تروریسم) به سال ۲۰۱۴ در حال رسانده است که همه با بیم و امید خروج نیروهای جامعه بین المللی و آیساف را انتظار میکشند .

افغانستان که در سال ۲۰۰۱ در باطلاق جنگ های عظمت طلبی گروه های جهادگر فرو رفته بودند حضور جامعه جهانی را چون فرشته نجاتی مورد استقبال قرار داده بودند.

با ورود ناتو و جامعه جهانی خوش بینی ها به آینده، فضای غالب دنیای آرزو های مردم را تشکیل داده بود. مردم افغانستان امیدوار گردیده بودند که عصر درخشان صلح، پیروزی، رفاه و نجات از هیولای جهادگرائی مسلط میشود.

جامعه جهانی و آیساف نه تنها سعی کرد تا افغانستان به لانه جهادگرائی (تروریسم) تبدیل نگردد بلکه در پیشرفت و ترقی کشور با صرف هزینه های بلیونی، فعالانه سهم گرفت، و درین راه قربانی های بیشماری را متحمل گردید.

درآمد :

افغانستان فعلی بعد از گذشت ۱۳ سال در صفحه خاص از زمان قرار دارد، هنوز هم بحیث یکی از کانونهای تشنج جهانی و بدنام ترین منازعه ها باقی مانده، بحران جامعه و شکاف های طبقاتی و ملی هیچگاهی به عمق امروزی نبوده و دشمن که ناتو علیه آن می جنگید، قوی تر از گذشته سر بر آورده است. مصایب مردم دردناک و طاقت فرساست. مقام و منزلت داشتن، متهمان به جنایات جنگی، و حضور آن ها در هرم قدرت، و حتی کاندیدای ریاست جمهوری، تحقق هر نوع عدالتی را به چالش کشیده است. امروزه، فساد اداری و سیاسی، بیکاری، مرض، فقر، قانون شکنی، تخطی های صریح حقوق بشری، حقوق زنان، نبود خدمات اجتماعی، اختلاس، زمین خواری، وجود کشتزار های خشخاش و ماین، و انبارهای اسلحه و وجود مافیای قدرت که بخش اعظم کمک های جهانی را به جیب برده اند، کشور را به فقیر ترین نا امن ترین، و بی ثبات ترین کشور دنیا تبدیل کرده است.

رئیس جمهور به حامی جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر، حقوق زنان برای ادامه قدرت خود مبدل گردیده دولت تحت حمایت جامعه جهانی و ناتو به فاسد ترین حکومت دنیا تبدیل شده است، بسیاری از تحلیلگران اظهار نظر میکنند که نقش بی کفایتی دولت در پی بی ثباتی اوضاع کمتر از جهادگران، طالبی و القاعده نبوده است.

حال پوشیده نیست که چه کسانی در عدم پیروزی جامعه جهانی، و ناتو در افغانستان مقصر اند، پاسخ به این سوال نه تنها برای عبرت آموزی از اشتباهات گذشته بلکه برای آینده، و تاریخ دارای اهمیت است. اشتباهات در افغانستان برای آموختن هستند نه فراموش کردن، کوتاه ترین راه به آینده همیشه راهی است که از تعمق در گذشته می گذرد.

گذشته و چانس های طلایی از دست رفته، در افغانستان، در عظمت اشتباهات کنفرانس بن در ۲۰۰۱ گره خورده است.

تصامیم و فیصله های عجولانه فاقد دیدگاههای استراتژیک، در کنفرانس بن، اولین گام ها برای شکست اهداف جامعه جهانی رقم زده شد، که طی سال های بعد از آن نتوانست جبران گردد.

بزرگترین اشتباه کنفرانس بن در عدم درک تشابهات فکری سلفی گری گروه های جهادگر (طالب، و مجاهد) و درک پیچیده گی های قومی، سنتی، جامعه افغانی و خصومت های بارور شده در میان این گروه ها که یک دریا خون و چندین قتل عام آنها را از هم سوا میکند مشخص گردیده است. همایش (بن) از دو جناح پشت و روی یک سکه بشدت متهم به تخطی های حقوق بشری، آله دست همسایه یک جناح آن یعنی جهادی های دولتی را متحد خود، و جناح

طالب ها را در حالی دشمن خود حساب کرد که تمام نیروهای دموکراتیک، آنهائیکه از تجارب سرشار مبارزه بر ضد القاعده و جهادگرایی که امروزه (تروریسم) خوانده میشود، بهره مند بودند، نیز دشمن خود محسوب کرد، نه تنها آنها را در کنفرانس بن راه نداد، بلکه در اولین تصفیه حدود (۳۵) هزار افسران دارای تحصیل و تجربه درخشان مبارزه با جهادگرایی را از قوتهای مسلح، اردو و پولیس طرد کرد. اخراج افسران تخصصی یک نوع جاده سازی برای پخش اندیشه های جهاد گری و نمایش قدرت در ارتش و بازتابی برای آسیب پذیر شدن کشور بود

(بن) با ابداع جدیدش با جهادگر به جنگ جهادگر رفت و خواسته بود، دموکراسی را با انسانهای جهادی غیر دموکرات، به ارمغان آورد .

جهادی های به قدرت رسیده در دولت زیر چتر « ناتو » تا توانستند با سوء استفاده از مقام و منصب و پول های باد آورده جامعه جهانی با اسطوره و قهرمان تراشی که حریم قانون اساسی را دچار خدشه کرد، اخذ رتب و القاب اعزازی و با تقدیس و تشجیع خود را به آسمان هفتم بالا کشیده و در عین حال گروه رقیب خود طالب ها را با حواله بار اتهامات، تحقیر و توهین ها، انباشته از چرکاب تعلق قومی، به سقر فرستاد.

چنین اقدامات و فاکتورها عروج طالبان را از خاکستر امارت اسلامی، به مهندسی همسایه های نامهربان، با بسیج جهادگران و شهادت طلبان مدرسه ای در حالی فراهم آورد، که اینک با گذشت ۱۳ سال جنگ و آشوب قوس صعودی حاصل نموده و حل قضیه و تأمین صلح در افغانستان بیکی از دست نیافتنی ترین پدیده های تاریخ تبدیل شده است.

جنگ ۱۳ ساله و مبارزه نا تمام، فرصت ها و چانس های طلایی سوخته ، نا امیدی ها و بدگمانی ها را بر انگیخته است.

مردم افغانستان ازین در هراس اند که بعد از خروج جامعه جهانی، ناتو، دوباره به دوره توحش و جنگ های گروهی سال ۹۲ آوانیکه گروه های جهادگر در تباری چند سیاسی و نظامی دو چهره با شکستن پلان صلح ملل و با تسلط بر افغانستان، بجنگ های داخلی که حد اقل صد هزار کشته، برجا گذاشت و با غارت ثروت های ملی و دفاعی ، کشور را در آستانه فروپاشی قرار دادند، برنگردد.

همزمان بسیاری از محققین این امکان را از واقعیت بدور می دانند که خروج قوای ناتو بمعنی پیروزی، جهادگران طالبی و سلفی نیست. قوتهای مسلح افغان علی الرغم چالش های فراگیر در آن، قادر است، مشروط بکمک جامعه جهانی و حمایت قوای ناتو که در افغانستان باقی می مانند از صلح و ثبات دفاع نمایند.

سال ۲۰۱۴ در افغانستان با چند رویداد مهم، مانند (برگزاری انتخابات ریاست جمهوری واکذاری مسوولیت های امنیتی به قوت های مسلح کشور، خروج قوای جامعه جهانی و نقش آموزش مشوره دهی و همکاری قوت های ناتو و تشدید جنگ و جهاد ) مشخص می شود.

### نقش آموزشی و چالش های فرهنگی :

در محدوده این نگارش به نقش آموزشی، مشوره دهی و همکاری ناتو بعد از ۲۰۱۴ و شماری از چالش های آن مکث کوتاهی صورت میگیرد .

آنطوریکه اعلان شده کاندیدای پیروز در انتخابات داکتر اشرف غنی وعده داده است که بعد از اخذ قدرت پیمان استراتژیک با امریکا را امضا خواهد کرد و وبر اساس ان ' حدود کم یا بیش ( ۱۰ ) هزار نفر نیروهای ناتو بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی می مانند. حضور این نیرو ها بخشی از یک استراتژی برای حضور در منطقه 'حفظ ثبات و انجام عملیات های سرکوبگرانه علیه گروه های دهشت افکن سلفی، و بویژه آموزش و پرورش نیرو های مسلح افغانستان را تشکیل میدهد .

این نیروها حدود (۱۵) بار کمتر از قوای قبلی، اما ماموریت و چالش های بیشتر و گسترده تری را در پیشرو خواهند داشت، بر شماری از آنها اشاره می نمایم :

- چالش کمیت : مفاهیم زنجیره ای کمیت و کیفیت قابل توجه اند، اما در اوضاع سیاسی و نظامی حاضر در افغانستان و مبارزه با جهادگرایان، کمیت قوت های ناتو برجستگی و سنگینی ویژه ای دارد

در شرائط خروج ' کمیت بزرگ نیروهای ناتو بعد از یک مبارزه ی بی سر انجام و شرایط گسترش جهاد گرایی و تغیر بیلانس روحی و روانی که فاکتور دارای اهمیت است و سنگینی آن به نفع جهادگرایان ' شدت و گسترش حملات آشوب گران، افزایش ورود جهادگران از کشور های خارجی و آسیای میانه، و وجود چالش های فراوانی در قوت های مسلح، از جمله رشد علایق جهادی و تنظیمی که برای نفوذ طالب ها بستر سازی میکنند ' عدم تسلیح و تجهیز به اسلحه مودرن زمینی و هوایی ، فقدان کادر های مجرب حرفوی، ضعف سیستم های آموزشی فرهنگی رشد تکفیرگرائی و خارجی ستیزی، وجود فرار ورعایت دوکتورین به اصطلاح شرکت عادلانه اقوام که شایسته سالاری را مردود و منجمد کرده است ' همه و همه چالش های متراکم شده اند که مبارزه بر علیه جهاد گرایی ( تروریسم ) را سنگین و کمیت بیشتر

نیروها را مطالبه میکند . بجا ماندن کمیت محدود قوای ناتو راه حل نیست ، شرایط حال و آینده کمیت بیشتر قوت ها ، کاربا کیفیت محاربوی و فرهنگی ، مبارزه قاطع علیه سلفی گری و جهادگرایی را دیکته میکند .

۲ - اوضاع و شرایط فرهنگی جامعه یکی از عمده ترین چالش ها در برابر نقش آموزشی و مشورتی ، ناتو بعد از ۲۰۱۴ خواهد بود .

حدود سه و نیم دهه است که جامعه افغانی تحت تهاجم فرهنگی جهادگرایی قرار دارد که با یورش به محیط زیست فکری روحیه خارجی ستیزی و مرگ پرستی را بارور گردانده است. جهادگرایی پدیده ای که در دهه هشتاد از دل رقابت ، ابر قدرت های آنزمان زاده شد بعد از صعود، در دهه مذکور، از یکسو در اثر مقاومت دولت های دموکراتیک و ابرقدرت شوروی انوقته که مبارزه با جهادگرایی را یک ستیز مودرنیته با افراط گرایی پنداشته بودند و از سوی دیگر در اثر تداوم جنگ های خونبار و ویرانگر حدود « ده ساله » میان گروهی جهادی ها در فاصله سالهای ۱۹۹۲ - ۲۰۰۱ میلادی جهاد گرایی رو به افول نهاده بود .

اما بعد از کنفرانس بن در ۲۰۰۱ قضیه برعکس شد، حمایت تبلیغ و تقدیس جهاد، تکیه گاه دولتی حاصل کرد، و تبلیغ و تقدیس ایده های جهادی به استراتیژی اصلی دولت مبدل گردید. دولت کابل طی ۱۳ سال گذشته در تبلیغ و ترویج جهادگرایی یعنی خشونت پروری و خشونت ستائی و دشمن آفرینی، نسبت به همه دست بلندی داشته است، لایه های ضخیم تبلیغات رسانه یی، منبری، موعظه یی با کتمان واقعیت ها، و سرکوب مخالفان با شلاق الحاد و زندیق ، افکار عامه را هدف قرار داده و غذای فکری زهر آگینی در اختیار عامه بویژه آنده از جوانان که از مواهب تمدن بی بهره اند، قرار داده، روحیه خارجی ستیزی تکفیر گرایی و شهادت طلبی را گسترش داده است.

در این راه از سازمان جهادی القاعده که ادعا دارد یک ابر قدرت را به شکست مواجه کرده، اروپای شرقی را آزاد نموده، و دیوار برلین را فروغلتانده است و حال زمان شکست ابر قدرت دیگر یعنی امریکا رسیده است، پیش گرفته است.

با حضور ناتو و جامعه جهانی، همه انتظار بودند تا ریشه های جهادگرایی (تروریسم) در افغانستان و منطقه می خشکد، و جهان از طاعون آن نجات حاصل میکند، اما در این دوره ۱۳ ساله نه تنها یک گروه جهادگر برای صعود به جایگاه ویژه در رفیع ترین قله المپیاد سیاسی رهبری دولت ، وکالت ، ولایت و قضاوت رشد داده شد، بلکه پرورش جهادی برتریت فرهنگی مردم پیشی گرفت و به تبلیغ و ترویج گسترده جهاد از طریق رسانه ها، منبر ها، مکتب ها و

ایجاد مدرسه های دینی، که برای پخش اندیشه های جهاد گرائی بستر سازی می کنند پرداخته شد.

ایجاد مدرسه ها در زمان حکومت طالبان از رشد اندکی برخوردار بود. اما در زمان حکومت حامد کرزی با پول و هزینه های جامعه جهانی گسترش بی سابقه حاصل کرد، اکنون تعداد آن به (۱۰۰۱) مدرسه و حدود ( ۲۶۰ هزار ) طلبه و ( ۶۰۲۹ ) آموزگاران ( ۱ ) که همه از دانش های معاصر بی بهره اند، رسیده است. تنها در ولایت کندز، که در آن یکی از پایگاههای نظامیان جمهوری اتحادی آلمان وضع الجیش دارد، به تعداد (۳۰) مدرسه که در آن (۸ هزار طالب) از جمله دوهزار دختر(۲) آموزش می بینند، وجود دارد، در اشرف المدارس کندز، ۶ هزار دختر سراپا مستور و سیاه پوش در تضاد با ارزش های معاصر شامل مدرسه اند. در تمام این مدرسه ها چنان دیواری بزرگی بین آموزه های دموکراتیک و طلبه ها کشیده میشود، که شاگردان توانائی و تصور از دموکراسی و آزادی های مودرن را هرگز نمی توانند تصور کنند. درین مدرسه ها جهاد علیه کفار، بعنوان وظیفه هر مسلمان مومن تعریف میشود. انگیزه هائیکه برای ایجاد چنین مدرسه های، مجاهد و طالب سازی (یعنی جلوگیری از عزیمت جوانان به مدرسه های آنسوی مرز پاکستان) بهانه آورده میشود، خود درمانی ' بدتر از بیماری است.

مبلغان و واعظان و امامان مساجد، که تعداد شان به ۱۶۰ هزار ( ۳ ) می رسد فرصت نفس کشیدن هر حقیقتی را سلب کرده اند. حتی در کابل از طریق بلند گوها، ضدیت خود را با حضور قوای ناتو در کشور بیان می کنند، بدون تردید در مدرسه ها، و آموزشگاهها و شماری از مساجد لزوم جهاد بر علیه قوای ناتو و جامعه جهانی تیوریزه میشود. هرگاه در یک محاسبه شتابنده مدرسه های داخلی را با مدرسه های آنسوی مرز ( پاکستان) که تعداد شان به (۲۵۲۰۰) با (۳۹۴۰۰۰۰) ( ۴ ) طلبه می رسد، در نظر بگیریم، پوتانسیل خطرناک آن شبه سمارق اتومی نه تنها بر فراز منطقه و قوای ناتو، بلکه برجهان در گردش مشاهده می شود .

ظهور و عروج «داعش» و خلافت اسلامی الگوی قرون وسطایی وی ' صرف نظر از اینکه توسط چه قدرت ها و کشور های بخدمت گرفته می شوند ' تاثیر ان بر پدیده ای جهاد گرای در افغانستان و کشورهای مسلمان آسیایی بشمول ترکیه و افریقایی مبرهن بوده و نمی شود حجم خطر فزاینده ای انرا نادیده انگاشت .

تا زمانیکه کانون های تولید باورها و آموزه های افراطی، مدرسه ها، دارالعلوم ها و رسانه های جهادی در افغانستان و منطقه فعالیت داشته باشد. و تا زمانیکه این کانون ها در یک اقدام هوشمندانه به آموزشگاه های معاصر تبدیل نگردند، و جلو تبلیغات رسانه یی، منبری و موعظه یی جهادی گرفته نشود، و تا هنگامیکه حریم قوت های مسلح از آموزه های افراطی تطهیر نشود مبارزه و هرنوع پیروزی در برابر القاعده و جهادگرایی (تروریسم) یک پیروزی موقتی خواهد بود. در اندک زمان مجدداً تولید خواهد شد.

نیاز به تذکر است که انتقاد از سلفی گری، و جهادگرایی، انتقاد از دین و مذهب نیست، دین یک فرهنگ است، اما سیاسی کردن و ایدئولوژی گرداندن دینی، ارزش های دینی را بر خطر مواجه میکند اما فرهنگی پنداشتن دین، موجب اعتلای آن میشود. انتقاد از سلفی گری و جهاد گرایی که امروزه خطر رشد یابنده و در ضدیت با دموکراسی، آزادی قرار دارد یکی از ضرورت های زمان است باید به آن پرداخته شود. این قلم مشتاق کلام ان اندیشه پرداز نامبردار حضرت مولانای بلخ است که گفته است: « حیف می آید مرا کان دین پاک - در میان جاهلان گردد هلاک ».

### ۳- آموزش فرهنگی قوت های مسلح افغان

مبهرن است که نیرو های مسلح در هر کشوری متأثر از ویژه گی های فرهنگی مسلط در آن جامعه میباشد. فرهنگ مسلط بر یک جامعه ارزش ها، عادات، سنن اجتماعی باورها، رفتار ها، نقش مانع یا مقتضی را در تربیت انسانها دارند، هر چه ارزش ها و مناسبات فرهنگی به سمت تعالی رشد کنند، بستر تربیت انسان نیز متعالی میشود.

در شرایط افغانستان با توجه به رسوب اندیشه های افراطی، بی سواد ی کتله های وسیع سربازان هرگاه آموزش عمومی نظامیان را یک موجود پرنده تصور کنم، شهپر آن کار فرهنگی و کلتوری خواهد بود.

در ۱۳ سال گذشته، بنابر فقدان یک ستراتیژی ' آموزشی و تربیتی که انگیزه مبارزه علیه دشمن و تروریسم را مشخص نماید ' در قوت های مسلح افغان نه تنها حاکم نبوده بلکه حریم نیرو های مسلح از چندین « استقامت » آماج تهاجم فرهنگی جهادگرایی قرار گرفته است. استقامت های تهاجم فرهنگی :

استقامت الف - نقش دولت آقای حامد کرزی در ۱۳ سال گذشته در تبلیغ و تقدیس جهادگرایی، که روحیه خارجی ستیزی را بارور گردانده، گسترده بوده است، رسانه های دولتی و جهادی و شماری ملا امامان به ابزار تحقق ایدئولوژی جهادی تبدیل گردیده اند. جهادی های دولتی، جهاد خود را که زمانی مورد حمایت غرب بود تقدیس و برایش حلقوم پاره میکنند. اما

در عین حال، جهاد؟ جهادگران دیگر از قماش خود، ( حزب اسلامی، طالبان و القاعده) را، طرد و محکوم می نمایند ' چنین پارادوکسی ' صرف نظر از مضحکه آن، در نهایت به تقویت جهادگرایی، و رشد روحیه خارجی ستیزی بر ضد (ناتو) و شهروندان خارجی انجامیده است.

استقامت ب - در رشد تفکر، جهادی و دشمن آفرینی، نقش طالبان و ذرات خانه سلفی آنسوی مرز، از اهمیت ویژه برخوردار است، طالبان و سلفی ها در محلات تحت نفوذ و رسانه های خویش، ترویج اندیشه ها و قدرت خویش را به امر قدسی پیوند می زنند و کتاب (الله) را منشور آسمانی و توجه گر منافع زمینی و ستمگری خود قلمداد میکنند، آنها با مخدوش ساختن ذهنیت ها، جهاد را علیه کفار وظیفه هر مسلمان مومن تعریف میکنند. آنها قادر گردیده اند، با مسمومیت و ماین گذاری اذهان، جوانان را به حملات شهادت طلبی (انتحاری) سوق کنند، این مسئله حجم خطر را در آینده نیز در شرایط حضور ناتو افزایش خواهد داد.

میتوان ادعا کرد که در افغانستان فعلی، بنابر فقدان کار فرهنگی روشنگرانه وجود یک نسل افراط گرا، خارجی ستیز، بشدت زیر تاثیر اندیشه های جهادی، زیر پوست جامعه در حال بارگیری است، این ها طالبان نیستند، بلکه گروه های دیگر اند که قطعاً بعنوان جانشین القاعده در آینده مطرح هستند که تهدید های جدی، به ارزش های معاصر و علیه حضور نظامی ناتو در افغانستان محسوب میشدند.

استقامت ج - درک مشترک آنست که جهادگرایی یک پدیده محلی نیست، از چهارچوب منطقه فراتر رفته تنها به حضور قوای ناتو در افغانستان منحصر نبوده بلکه ابعاد ژئوپولیتیک یافته، قاره ها را در بر گرفته است.

جهاد مورد حمایت غرب بعد از زاده شدن از دل رقابت های جنگ سرد در دهه هشتاد آغوش باز و گرم اروپا و امریکا به بهشت آرمان هایش تبدیل شده بود، دهها سازمان، انجمن، فدراسیون با اندیشه های جهاد پرستی در غرب به فعالیت آغاز کرد. از آن به بعد، تقدیس و تشجیع جهاد، هجمه رسانه ئی و فرهنگی حاصل کرد، شماری زیادی رسانه ها، رادیو ها، تلویزیون ها با مسخ کردن بنیادهای فکری بویژه جوانان و فرافکنی و تکفیرگرایی بر نیروهای دموکراتیک و ضد جهادگرایی حضور خود را استحکام بخشیدند. اکنون که از خاکستر جهاد قبلی شیپور جهاد جدیدی بسوی غرب و ناتو بصدا در آمده است، اما اردوگاه بجامانده از دوران جنگ سرد به بیماری واقعیت ستیزی و ابزار تهمت و کینه ورزی و دوسیه سازی علیه روشنگران و جهادستیزان مبتلا بوده باز هم بهمان سیاق بیست سال قبل از تقدیس جهاد دست برنداشته و با برنامه های متکثر از طریق رسانه ها و تلویزیون ها به تبلیغات سلفی گری

که جهاد را به نفع القاعده و افراطی ها تیوریزه میکنند می پردازند. چنین اقدامات چشم اندازی تیره ای از آینده ترسیم نموده در به چالش کشیدن نقش آموزشی ناتو، بی تاثیر نیستند. در شماری از کشورها حتی در اروپا و امریکا تلویزیون های افغانی به گونه گسترده به ابزار تحقق ایدئولوژی جهادگرائی و سلفی گری تبدیل شده اند، تصادفی نیست که با به ثمر نشستن چنین تبلیغاتی شماری از جوانان در اروپا شکار سلفی ها گردیده اند، بعد از اعلان ایمن الظواهری رهبر القاعده در سال ۲۰۱۲ که جهادگران باید به سوریه بروند، حدود ۱۰۰۰ نفر جوانان (۵) منجمله حدود پنجمصد تن از بریتانیا و دو صد نفر از آلمان جهت پیوستن به صفوف جهادگران القاعده به سوریه شتافتند ' حمله شهادت طلبی « انتحاری » یک شهروند فلوریدای امریکا بنام محمد ابو صالح در سوریه بیان فشرده ای افراط گرایی دهشتناک این جهادگراهاست . یکی از نگرانی ها آنست که خشونت

را که این ها در بازگشت با خود به جامعه اروپا و دگر جاها می آورند، مهار ناپذیر خواهد بود. باید اذعان داشت اعمال خشونت باری که توسط جهادگران انجام میشود، از حوزه فکری شخصی، افراد برنخواسته بلکه این سازمانهای وابسته به افراط گرایی است که با تبلیغات گسترده و مغز شوئی انسانها را به قاتلان مبدل میکند .

استقامت د - نهاد های عقیدتی و فرهنگی که در نیروهای مسلح داخل تشکیل فعالیت میکنند، رووس فعالیت آنها را تقدیس جهاد و جهادسالاری، چیزیکه جامعه جهانی آنرا تروریسم خوانده و علیه آن می جنگد تشکیل داده است.

چنین وضعی تاثیرات منفی را بر روند، تربیت و پرورش نظامیان، بروحیه دوستی و احترام با قوای جامعه جهانی و ناتو در قبال آورده است.

انگیزه قتل بیش از ۴۰ نفر سربازان جامعه جهانی و ناتو بویسله سربازان دولتی در طول سال های گذشته را نمیتوان از تاثیرات چنین آموزه های منتفی داشت.

مبارزه و نقش آموزش ناتو، بر ضد گروه های سلفی و جهادی در افغانستان بایستی دارای دو جنبه باشد؛ یکی استفاده از قدرت نظامی و جنبه دارای اهمیت ، دیگر مبارزه فرهنگی آموزشی و پرورشی را احتوا کند ، پدیده جهل، بیسوادی، فقر بیکاری، بی عدالتی، فساد، و آموزه های افراطی بستر رشد تروریسم و جهادگرائی محسوب میشوند، این ها پاره ی از مسایل اند که تقویت کار فرهنگی را هم در قوت های مسلح و هم در جامعه الزامی میگرداند.

برای آنکه نیروهای مسلح از هجمه ایدئولوژی جهادگرائی مصئون بمانند، برداشتن گامهای تغییر و تحول فراسوی طرد کاستی ها از سوی ناتو در عرصه های زیرین لازمی به نظر می رسد .  
- ایجاد ساختار های تشکیلاتی که پاسخ گوی مقتضیات معاصر باشد.

- شناسائی فرم های ناموفق، نقاط ضعف فعالیت های انجام شده.
- بازنگری در راهکار ها و فعالیت های فرهنگی .
- گسترش فرهنگ سازی مودرن و ثمربخش.
- ایجاد سیستم و شبکه های آموزشی، فرهنگی، کلتوری و اطلاع دهی.
- استفاده از استعداد های تخصصی، افسران و کادرهای مجرب که از تجارب مبارزه با القاعده و جهادگرایان برخوردارند.
- ایجاد سیستم منظم مشوره دهی.

نتیجه :

متأسفانه بی نتیجه گی جنگ علیه جهادگرائی « تروریسم » یکی از اندوهبارترین برگ های تاریخ باقی می ماند.

شماری از نظریه پردازان حمله امریکا و ناتو را در سال ۲۰۰۱ به افغانستان در قالب یک جراحی ناشیانه یک غده سرطانی بحساب می آورند که موجب گسترش بافت های سرطانی به دیگر اندام موجود زنده گردیده است.

همسایه های شمالی، کشور های دوست آسیای میانه، از گسترش این سرطان دچار مخمسه اند، همسایه جنوبی بیش تر از پیش به معدن تربیه و تجهیز، جهادگرایان و شهادت طلبان، و همسایه دیگر افغانهای محکوم به تبعید را در چوبه ها، دار میزنند و لقمه نانی را از آنها دریغ می کنند.

حال اکثریت به این نظر اند که حمله امریکا و حضور ناتو نه افغانستان را امن تر و نه عادلانه تر کرد، مردم میخواهند وضعی را که خود «خارجی ها» بوجود آورده اند، باید خودشان حل کنند.

در عین حال افغانها به حمایت بین المللی نیاز دارند، حفظ مبارزات و خونهای ریخته شده نیازمند همکاری جدی جامعه جهانی است، تنها خروج قوای ناتو و سپردن تمام اختیارات دفاعی به افغانها راه حل نیست، قوتهای مسلح افغان دست آورد های دارند اما بدون کمک خارجی، تسلیح و تجهیز به سلاح سنگین زمینی و هوایی، آموزش های گسترده محاربوی و فرهنگی بدون کادرهای تخصصی فرماندهی وضع شان نا مشخص است.

تجارب گواه آنست که جنگ در افغانستان از جمله جنگ های است که تنها با گزینه نظامی حل نمیگردد، مصیبت اصلی این جنگ را شهروندان شکیبای افغان اسیر در میدانهای جنگ متحمل میگردند، مسئله ای که افزایش فاصله بدین ژرفا میان مردم و قوای ناتو را بوجود آورده است.

تاریخ نشان داده که هیچ ارتشی بدون پشتیبان مردم نمیتواند مقابله با دشمن را بسر رساند، در چنین حالی پیروزی در افغانستان بر دوافکتور وابسته خواهد بود. یکی بدست آوردن حمایت مردم و دومی طراز تاثیر بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی.

جنگ زشت ترین داعیه بشری است، جهاد نیز هیچگاهی جهان را بهتر نخواهد کرد، جهاد قبلی و تداوم حالیه آن در افغانستان نه یک راه طی شده بل فاجعه نا تمامی است که در مسیر هر پیچ و خمی تاریخ معاصر نقش خونین خود را انتظار می کشد.

تا زمانیکه دو گروه جهادگر که هر چند دارای ساختار های متفاوتی اند اما در ماهیت جهادی خود یکسان اند، یکی جهادی های دولتی، با سواری بر امواج نا آگاهی مردم در بهشت قدرت و آن دیگری در برزخ جنگ قرار دارد، نجات جامعه و قطع جنگ به تاخیر می افتد. باید به چگونگی پایان این جنگ و تامین صلح اهمیت بیشتر داده شود.

این قلم، جانبدار کلام بنیامین فرانکلین است که گفته بود، ( هرگز جنگ خوب صلح بد وجود نداشته است) مسئله تامین صلح، اولویت که قاطبه مردم افغانستان مشتاق آنند در حال حاضر اگر از دموکراسی و آزادی مهمتر نباشد، کمتر از آنهم نیست.

مردم از ریس جمهور جدید میخواهند برای حل گردیدن گره ستراتیژیک کشور، در پهلوی مبارزات نظامی، به مبارزات سیاسی و گفتمان با جهادگران مخالف پرداخته شود، تا طالب ها و دیگر جهادیان با تبدیل گردیدن به جمعیت ها و احزاب سیاسی، در جامعه مدغم گردند.

خواست مشترک همه انست که پرابلم ها و نا امیدی ها با آرزو های بزرگ تأمین صلح، رفاه و ترقی، با کار و همت جوانان، زنان و افسر زده شود، و پیروزی نصیب افغانستان گردد. پایان.

« نهم ماه جولای ۱۳۹۳ »

پاورقی ها :

۱-- ارقام وزارت معارف افغانستان

۲-- گذارش bbc

۳-- از وزارت معارف افغانستان

۴-- سایت اریایی